

ه) آزادی تا مرز مصالح جامعه: به عقیده امام «همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن، موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می‌شود [و این] از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانی‌ها و کتب و مجلات برخلاف اسلام، عفت عمومی و مصالح کشور حرام است» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۳۵).

## الزامات آزادی

**قانونمندی:** در اندیشه امام خمینی، یکی از الزامات آزادی وجود قانون در جامعه است. قانون یکی از الزامات مهم آزادی محسوب می‌شود. از آنجاکه در

این اندیشه، قانون برگرفته از اسلام است، قانون اسلام مسبب آزادی‌ها و دموکراسی حقیقی دانسته می‌شود (صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۳۱). در این قانون، همه اقلیت‌های مذهبی و زنان همه حقوقشان ملاحظه شده است (صحیفه امام، ج ۶، ص ۴۶۲؛ همان، ج ۱۱، ص ۱۴۸)؛ از این رو، توجیه آزادی با تکیه بر قانون امکان‌پذیر می‌نماید.

**باورمندی:** از دیگر الزامات آزادی باور به انحصار بندگی خدا و آزادی در برابر دیگران است. اعتقاد به اینکه انسان فقط بنده خداست و جز خداوند هیچ‌کس حق سلطه بر انسان را ندارد، از الزامات آزادی حقیقی انسان است. طبق اصل توحید، سلطه فردی بر فرد دیگر نفی شده و آزادی و برابری جوامع جز در پرتو قوانین الهی صورت نمی‌گیرد؛ از این رو، چنانچه انسان از خدای خود غافل نشود، حریت و آزادی خود را حفظ می‌کند و قید عبودیت و اسارت در برابر دیگران را از گردن خود برمی‌دارد و در جمیع احوال آزاد می‌شود (امام خمینی، شرح چهل حدیث، ۲۵۷، هم‌او، صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۵)؛ به همین دلیل، در این نگرش هرچه ما به سمت توحید و عبودیت الله پیش برویم، شرطواعت کمتر خواهد شد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول متعددی را به حقوق ملت و آزادی‌های فردی و اجتماعی اختصاص داده است. علاوه بر اصولی است که تشکیلات نظام یا وظایف نهادهای قانونی را بیان کرده، این توجه خاص در مقام تنظیم روابط و مشخص کردن محدوده اختیارات، در صدد تضمین حقوق افراد و اجتماع نیز بوده است (محسنی و نجفی، ۱۳۸۸: ۴۴۶). از حقوق اولیه اجتماعی، حق تعیین سرنوشت و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به اداره امور جامعه بوده و همچنین از شاخصه‌های جامعه مدنی، مشارکت سیاسی فعال و آگاهانه مردم در امور مربوط به سرنوشت فردی و اجتماعی خویش است. این حق که ناشی از حق تعیین سرنوشت و از لوازم آن است، از آن به حقوق سیاسی نیز یاد می‌شود که مصادیقی چون حق انتخاب کردن و انتخاب شدن و تشکیل جمعیت و حزب سیاسی را در بر می‌گیرد (مجیدی، ۱۳۸۹: ۹۷).

از مصادیق عمده تجمعات موقتی که جنبه اجتماعی دارد، تظاهرات و راهپیمایی‌های خیابانی است. قوانین کشورهای مردم‌سالار نیز این‌گونه تجمعات را آزاد اعلام کرده‌اند، اما بدیهی است که وظیفه دولت‌ها پیش از دادن این آزادی، تأمین امنیت و نظم عمومی کشور است؛ زیرا گاهی این تجمعات به شورش یا اغتشاش تبدیل می‌شود؛ به همین دلیل، این آزادی را با شرایطی اعطا می‌کنند تا نظم و امنیت عمومی خدشه‌دار نشود (قاضی پناهی، ۱۳۸۵: ۱۵۳).

## ۳. اعتراض و مسئولیت‌پذیری

مسئولیت اجتماعی به عنوان چهارچوبی اخلاقی شخص را، چه فرد چه سازمان، در مشارکت به امور اجتماعی که عمل به آن در سطح وسیع به منفعت جامعه خواهد بود، متعهد می‌کند. مسئولیت اجتماعی به این